

و برش دستکاری میشود که بر بالای تیرک ها برای پوشش بام خانه استفاده میشود. خ. پامیرزاد).

**گمال** = آنقوزه یا آنغوزه گیاهی است علفی چندساله، ریشه آن کمی کلفت و گوشتی، برگ‌های آن بسیار بریده و غباری، ساقه آن گوشتی و بلندی آن تا ۲ متر می‌باشد. گل‌های آن به رنگ زرد و به گروه چتر مانند در آخر ساقه پدید می‌آید. آنقوزه در چند سال ابتدایی سن خود ساقه در دید نیست و برگ‌های آن گسترده روی زمین است که در مراتع به نام «کماه» و «انگراکماه» می‌شناسند. میوه آنقوزه دارای دو تخم به رنگ قهوه ای تیره و سیاه، بیضی کمی پهن و بسیار بدبو می‌باشد. با تیغ زدن یا قطع ریشه یا قسمت پایین ساقه و یقه گیاه در پایانی بهار، شیره بسیار بد بو در میانی تابستان بیرون می‌آید که در کنار هوا کم کم سفت می‌شود که همان آنغوزه است. آنقوزه در زمین‌های بائر و خشک و آهکی پهنای گرم آسیا می‌روید. بومی استپ‌های ایران و افغانستان است. در ایران؛ در کوهسرخ خراسان رضوی در روستای دهمیان، بلوچستان و باختری مختلف جنوب ایران، مانند کرمان، راور، دشت مرغاب، آباد، نائین و جندق می‌روید. وپ.

**گمر بسته** = آماده کار (خدمت)؛ آماده قهرمانی.

**گم افضال ۱** = کم قوت، بی استعداد.

**گم افضال ۲** = آرام، با صبر.

**گمبوک** = پوچ، خالیگاه.

**گم ناس** = حریص.

**گما-کوسے** = کمبودی، نا کافی.

**گمپک** = معشوقه؛ وے ند خشروی کمپک = او معشوقه زیبایی دارد.

**گمچین** = به ندرت، کمبود.

**گنک** = چقوری، خندق.

**گنهب** = کنف.

**گنگینه؛ غلله شپ** = ظروف سفالی با مخلوط مواد فاضله چاپایان خورد برای نگهداری پشم

**گنگوره** = جوش (در حیوانات)؛ گگوره قارج ام

اند سود = جوش در زیر دم اسپ می برآید .

**کنجاره** = کنجاله، کنجاره (بازمانده های بعد از روغن کشی در سنجد، سویا، کرچک...)

**گنک** = لی خرمن.

**گبهج** = نوع شیرینی از روغن؛ آرد توت و چارمغز یا مغز زردآلو جور تیار میشود

**گفهر** = کور، کبر (Capparis spinosa).

**گواک** = پوچ، خالی.

**گزلک** = کارد خورد؛ ساخت شغنان.

**گیک؛ گیک چ** = احمق، بی فکر، حیرت زده، مغالطه کردن، آوردن دلایل بی معنا.

**گیے بے ونبے** = گیاه نشه آور؛ هر کس انرا بخورد، بی هوش میشود.

**گلگت** = متحیر، آشفته، پریشان.

**گلگوبین، گل-گل** = پیهم انتقاد کردن؛ اعصاب خراب کردن.

**گله یے - دست، گله یے - دست** = دست دادن، دست فشار دادن در هنگام ملاقات.

**گلک** = مرتبه؛ نوک انگشت، در بازی طفلانه؛

**یے گلک، نو گلک، چارو چمبر، بیدو. عنبر...**

= یک نوک "انگشت"، دو نوک، چهار و چرخ،

بید و عنبر.....

**گله پای** = زیر، نشیب، از بالا به طرف پاهین.

**گلتون** = خراب شده، غیرترمیم؛ گوهر مو موترے

گلتون چود = گوهر موتر مرا خراب کرد.

**گلجخ** = تلاش دایم، کوشش بی معنی.

**گلتھ** - دهرذ، گته گسلک = زکام، سرما خوردگی.

**گلتھ دار، گلتھ دارے** = زن معشوقه دار، رابطه

ی عاشقانه.

**گلتک** = چوب؛ دنده.

**گلتک چیداو** = شکستن.

**گلتک** = کلان، بزرگ.

**گلتچه** = واسک.

**گلتھ** = کلان؛ عاشق، معشوق.

**گلتوی** = سر تراشی، سر تراشی؛ طفل.

**گلون** = کلان.

**گلتک** = وستک مترادف دستک (چوب یا دستک

های کوچکی که برابر فاصله میان دو تیر قطع

**کهنده**، **کندے** = قطعه، برش، قسمت، آوار، تکه، پارچه.  
**کنیخ**، **کنیخک** = برده، غلام.  
**کنته** = جدایی.  
**کنف**، **کنفت** = بی حال، نیم جان، بیخواب.  
**کنجار**، **کنجاره** = کنجاره، کیک روغنی.  
**کنپکے**، **کنپکے چ** = خوردن با کف دست؛ انداختن تلقان نرم به دهن با کف دست.  
**کنپال** = استخوان قمحده، استخوان پس سر، سر.  
**کنپور**، **کنپور** = شناوری با کدوی خالی.  
**کنپوک** = فاخته (Cuculus canorus)؛ صدای او با نامش شباهت دارد.  
**کنپوک لوقد** = خالی، هیچ چیز نیست.  
**کنرگف** = برفباری زیاد.  
**کنردینگ** = کر، هیچ نمی شنود.  
**کنرم** = گرم.  
**کنربش**، **کنربش** = چیچک روی.  
**کنرگس** = کرگس.  
**کنارتون**، **کناردون** = کارتن.  
**کنرئیکے**، **کنرئیک** (زهد) = چشمک زدن.  
**کنرئوفج**، **کنرئوفج** = پوست، پوست مانده بعد از خوردن؛ از زردآلو.  
**کنرئهی**، **کنرئی** = کرنی، توله کلان؛ صدای بی حد بلند.  
**کنمون** = تفنگ؛ قوس.  
**کنرئشکه**، **کنرئشکه** = کچالو.  
**کنرئستاو** = صدای خرپ دار یا مشابه؛ مهذ مو پنخبین بن قاق سیخ، خو کرنبین = چموس های من خشک شدند خرپ صدا میدهد.  
**کنسبه**، **کنسپ**، **کنسم** = شغل، تخصص، کار.  
**کنسل** = مریض.  
**کنسلے** = مرض، مریضی.  
**کنسل بون** = پرستاری از مریض.  
**کنسلمند** = گرفتاری به مرض.  
**کنسلخونه** = شفاخانه.  
**کنسات** = قوم، قوم نزدیک.  
**کنثافت** = روح نا پاک، لعنتی.  
**کنت**، **کنت** = کوتاه.  
**کنته گیل**، **کنته گهل** = سر کلان.  
**کنتک** = کلان، فوق العاده؛ باسواد، عالم.

**کنتکے** = بر تر، کلانی؛ اداره کن؛ قوماندنی.  
**کنته جون** = متکبر، مغرور؛ مهم.  
**کنته**، **کنته**، **کنته** = کلان، بزرگ.  
**کنته دے** = کلانتر، بزرگتر.  
**کنت خدا** = زن دار.  
**کنفمال** = نرم کردن، خوردن چیزی با کف های دست (مثال توت) م. قفچاق.  
**کنفبک** = جراب های کوتاه با نقش و گلدوزی در قسمت بالایی (جراب).  
**کنفبیل**، **کنفخبر**؛ **کنفیدا** = لحیم کاری، ترمیم؛ کردن؛ خراب شدن، شکستن.  
**کنفختاو**، **کنفتاو** = فرورفت، غرق شدن، در برف؛ لای و گل.  
**کنفچه** - **کنسزد** = نوع سنجد کلان.  
**کنفچاک**، **کنفچهک** (زهد)؛ **کنفویخ** = غرق دادن کسی در آب؛ مزاق: اگر کسی برای آب بازان سلام نهد او را در آب می اندازند.  
**کنبویج**، **کنبویجک** = گیج شده، در هم و برهم، سر در گم.  
**کنخای** = زن.  
**کنهبس** - **کنات** - **کنبر** = قفس سینه.  
**کنبول** = دلپذیر؛ ای یخ، پد دوند نیست-ات، یه آپ کنبول = ای خواهر، این انقدر نیست، و او دلپذیر است.  
**کنبگه**، **کنبنگه** = مزرعه، کشتزار.  
**کنببس** = **کنکشش**، **کنببسے** زمین = قوه کشش "جاذبه" زمین.  
**کنببال**، **کنبباله** = کشال، کشاله، آویزان.  
**کنبنال** - **کنذهنیج** = بروکرات، کاغذ پران.  
**کنبنال زهد** = معطل دادن.  
**کنبنت** = غله.  
**کنبنت** - **کنات** - **کنکار** = کشت و کار.  
**کنبنون** (ستاو) = چسپیدن.  
**کنش** = گرم.  
**کنشن** = قفل کلان، دست بند.  
**کنزک** = حلقه (موی)؛ خم.  
**کنهوج** = توله سگ (بچه).  
**کنهوج** - **کنهوج** = توده بچه ها؛ کهوج-ات-  
**کنهوج** بن دند سنت = بچه جنگ شدند.

**کِهگهن** = توشک، بالشتک، زیر گهواره، در داخل آن کاه نرم پر است.  
**کِهزار** = باغچه.  
**کِهل** = سر.  
**کِهل** - بسخت = سر لچ.  
**کِهل پوندک** = سربندک (زنان سربندک را برای انتقال کوزه یا سطل آب بالای سر استفاده میکنند)  
**کِهل دهرذ** - سردرد.  
**کِهشبن**، **کِهبن** = کفش چوبی.  
**کِهفج** = واحد مقیاس برای غله و مساحت زمین؛ ظرف چوبی به اندازه ۲۵ کیلو گرام گندم  
**کِهفج-غث** = مزاق: دهن کلان.  
**کِهش چیداو** = مزاق: کار کردن، انجام دادن؛ بوقت.  
**کِهمه** = طیاره.  
**کِهمر**، **نِزار** = زغال سنگ، زغال.  
**کِهمنیک** = گلدوزی شده؛ جرای (کفش چوبی).  
**کِهپن** = رسم و رواج؛ منع؛ بشهه ره از زبچه چید دیداو کِهپن = از طرف شب در خانه زن زایمان منع است.  
**کنخ**، **کنخک**، **کنختاو** = سرفه، سرفه کردن.  
**کِهپینتاک** = گیاه: چتریان، تیره هویج (Umbelliferae , Apiaceae)  
**کِهبن**، **کِهبند** = انجبار (Polygonaceae).  
**کِهگینتاو** = سعی کردن، کار کردن.  
**کِه** = سگ ماده.  
**کِه** - **وینک** = درختچه کوه یی شباهت به گیلاس.  
**کِهنداو** = ریختن، باقیمانده چیزی: ریختن ماست از یک ظرف به ظرف دیگر.  
**کِهیداو**، **کِهیدیداو** = ریخته شدن؛ یم چکک کوخ قد، خو یم ذوغ کِدايچ = سطل سوراخ بود و ماست ریخته شد.  
**کِهوزت** = مرض، حالت مریضی.  
**کِهزنج** = گیاه: کاسنی معمولی (Cichorium intybus L)؛ آدم سرسخت.  
**کِهرخ** (کوته) = اتاق.  
**کِهزر** = چهره یا حالت اخم؛ بد شکلی یا قواره داشتن.

**کِهله گِرهَم**، **کِهلا گِرهَم** = گیلو گرام؛ یک کیلوگرام = هزار گرام.  
**کِهله مِپِتر**، **کِهلا مِپِتر** = کیلو متر؛ یک کیلو متر = ۱۰۰۰ متر.  
**کِهلهند** = کلند.  
**کِهلندک** = وستک.  
**کِهلاهخج** = خشکی لب؛ اگر کسی تب دارد.  
**کِهلوار** = سناچه.  
**کِهلینگ** = حيله گری؛ یو کلینگت آدم = او آدم حيله گر است.  
**کِهلی** = منع درآمدن در خانه؛ ووقدپخ تر چید مات کرده آدم مه لهک، بچه کِهلی سوَد = بعد از تولد طفل، تا هشت روز کسی "بیگانه" را مانده و زله در خانه داخل نمان.  
**کِهلبنخک** = نان ارزن.  
**کِهلی** = شاخه درخت، تنه درخت.  
**کِهلا** = ۱- کدو؛ ۲- کلاه.  
**کِهلا-دوڈ** = نوع توت با دانه های کلان.  
**کِهلا-مون** = نوع سیب کلان.  
**کِهلمب**، **کِهلمب**؛ **چیداو** = یکجا؛ کردن.  
**کِهلفج** = یکجا.  
**کِهلول** = گرد، مدور، کوله؛ کِلول ژیر = سنگ کوله.  
**کِهلوخ**، **کِهلوخک** = کلوخ.  
**کِهمخا** = نام قدیمی ابریشم.  
**کِهناره** = پهلو، کنار.  
**کِهریستاو** = خراشیدن؛ یمه دپک ام تو رد کِهروست = اینه ته دیک را خراشیدم.  
**کِهربن**، **کِهربنچک** = لغزش.  
**کِهرت**؛ **کِهرت ات پرت** = سر و صدای بسیار آهسته؛ وے گهپ یے یار سر فهم نه سوَد خو، یو کِهرت ات پرت تے توید = هیچکس گپ او را نه فهمید ویا خود گپ زده رفت.  
**کِهرنزداو** = ریختن؛ چای ام کِهریوست، نه رپد ار مم چاینک = تمام چای را از چاینک ریختم، چیزی نماند.  
**کِهرنبتاو** = کش کردن؛ آوردن.  
**کِهریهر** = حشرکاری.  
**کِهریا** = نوبت.

کریاچ = تاجریزی؛ نوع بادنجان (Solanum nigrum).

کروبن، کروبنک = گلپر (Heracleum persicum).

کروبنک = قفل مو.

کروشتاو = راه رفتن با سر و صدا.

کسک = چوکات، دروازه.

کسیچ = کجاوه کلان، برای گاه، پشم. .. بردن.

کتبتاو = کش کردن؛ لپ مو پس خوث مه کتین =

مرا با خود زیاد کش نکن؛ تکان دادن؛ یه پیش

وے پورگے کتینت خو یو مود = پیشک موش را

تکان داد و او مرد.

کتبتک = چپنک پشمی.

کفایه = کافی، به اندازه کافی.

کخ، کخک = چتل؛ برای اطفال: یم می کتره کخ،

پد توند پیو = پیراهن این چتل است از تو پاک؛

بر عکس: پیو = پاک.

کبتیخ = عکه از نوع کلاغ.

کبتلیزه = آویزان.

کبتین = کشتی.

کبتاو = کشتن، زیع کردن (حیوانات).

کخار = آتشدان، دیدگان.

کشین = پشمالو، پراکنده؛ کرکی.

کشین دود = ۱- پشمالو، پراکنده؛ کرکی ۲- ابر آلود

و تاریک.

کشکول = کشکول؛ ظرف چوبی که هر دو

انتهای آن باریک است. ماکو مانند.

کیلچک = پوستین کهنه.

کتبل = رقم بالاپوش.

کیین، کیین دهد = جوی، نهر؛ کشتی.

کاوونتاو = ۱- کاویدن؛ خو ذندون مه کاوون =

دندانهایت را نه کاوان. ۲- کندن

کاز = غذای سگ.

کاز دون، کاز دونک = ظرف غذا خوری سگ.

کایبش چیداو = تشویش کردن و پریشان شدن؛ خو

پخ آقبن کایبش کبت = از طرف بچه اش تشویش

میکند.

کاروون = کاروان.

کاروون باشے = رئیس کاروان.

کاروون سرا؛ی = کاروان سرای.

کار چید = کار کردن.

کارجومه = لباس یا یونیفورم کاری.

کاسه گردون = فال با کاسه گردان.

کاسه لپس = کاسه لیس.

کاته = عاشق، دوست؛ همبینه تو تے یام کاته

وز. اس تو ژبوچین نه کن ام توبه وز = دوست،

من همیشه سرت عاشق استم. از عشقت من توبه

نمی کنم "شعر".

کاته ستاو = عاشق شدن.

کافی = قهوه.

کافر- بنرخ، کافر- بنرخ، کافر- پنرخ = چوب

دروازه

کافر- ژهش = خارشتر.

کاج، کالج = سوراخ بین دو دندان.

کاجے = ژله غلیظ از آرد.

کاچار = اشیاء، مال.

کد = سک نر.

کد-بئخ = چوچه سگ.

کد وابتک؛ شیگ گگی = گل قاصدک)

(Taraaxacum)

کزچک = کوزه خورد.

کزه = کوزه.

کلفت = غم، تشویش، غریبی.

کلچه = کلچه.

کلچه-فعک = بازی زنانه با توپ "پوت"

کُمیت، کُمید = قهوه یے؛ کُمیت قارج = اسپ قهوه

یے.

کُتر = بی حس؛ یو بجهک اس شینا بئخ اند نستوید

خو، کُترت ربد = ان بز از آب سرد برآمد و بی

حرکت و بی حس شد.

کُنده = کنده.

کُنده بئخ = کنده خورد.

کُرتاو = خراشیدن؛ پورگ ار زدون کُرت = موش

در گنجینه کُر کُر دارد.

کُرڈ، کُرڈک = کرد؛ سبزیجات.

کُرپچه = بالشت باریک.

کُرته = پیراهن.

کُرته وار، کُرته بیج = تکه برای پیراهن.

کُرک، کُرک ستاو، کُرک چبش = ماکیان که دیگر

تخم نمی دهد.

**کُورخ**، **کُرخ** = چقور، چقوری.  
**کُرخا-بِق**، **کُرخا-بِق** = نا هموار.  
**کُت**، **کُت** = کوتاه.  
**کُبنم** = قلینگ.  
**کُچله** = گیاه زهر دار.  
**کُشچک** = کوزه سفالی، کوزه دستشویی.  
**کو** = کوه.  
**کودک** = کودک.  
**کودکون** = ۱- اسهال طفلانه ۲- کودکون سیفخ = مهره کبود، برای تداوی اسهال کودکان؛ بچه ند آگه کودکون فد، وے کوم ورنسپن، یا دے نی کودکون سیفخ زبن خو، وم فرئوین خو، ذبن وے رد = اگر طفل اسهال دارد، کام او را خون میکنند یا مهره کبود "کودکون" را در آب می شویند و آب را برای طفل میدهند.  
**کوز**؛ **بِق میذ** = کوز؛ کوز پشنتی.  
**کوناک** = اسهال.  
**کون پَرک** = لگد؛ با سم حیوان.  
**کون فیکون (چیداو)** = از بین بردن، پاک کردن از زمین؛ توهین کردن؛ با چتلی یکجا کردن **کوره** = آتشدان آهنگر.  
**کورے** = جذام، رسوایی.  
**کورے رهنگ** = جذام، رسوا.  
**کوسه-کوگ**، **کوسه-زریخ** = کبک یا کوگ بدن سیخک پا؛ اَزخت "سیخک".  
**کوتره** = کوتایی مختصر، گفتنی بر آن..؛ جنگلهبن کوترهت قتلے خه چود، چھی گنهگار؟ = کوتایی مختصر، تمام جنگل را از بین بردند، کی مقصر است؟.  
**کوفون** = کوهان؛ شتر.  
**کوبسین** = کوشش.  
**کوچ** = زن.  
**کوچرون (چید)** = کوچی، کوچ کردن.  
**کوپبهند**، **کوپبهند** = بوت بند برای موزه.  
**کوفه** = چکش چوبی برای زدن تارکمان ندافی.  
**کول-بیگ**، **کول-بیگ**، **کول-بیگ** = ظرف سفالی خورد تر از وسنرن  
**کوم** = کام.  
**کومک** = کمک.

**کومبین** = کمباین، ماشین کشاورزی، تراکتور قلب یا درو...  
**کوم-فهبس** = بیره دندان، لته.  
**کومپاس** = قطب نما.  
**کون** = معدن.  
**کونه** = کهنه.  
**کوپ سر (چید)** = توده کلان از هیزم، علف.  
**کور**، **کورے** = کور، کوری.  
**کور-آبین** = بد بینی؛ خرابکار؛ مضر؛ تو پُخ فک قننت کور-آبین = بچه ات همراهی همه بد بینی دارد.  
**کور-پُخیف** = چشم تنگ؛ کور-پُخیف آدم پد = آدم چشم تنگ است.  
**کور-پورگک**، **کور-پورگک** = موش کور یا کور موش.  
**کور-وابسک** = گیاه: فرفیون (SP) (Euphorbia) یا شیرشیرک یا شیرسگ.  
**کوردود**؛ **کور-نُخنه**؛ **کور-دُخنه** = دود غلیظ.  
**کورمنسک** = مهتاب کم نور.  
**کورماث** = همراه.  
**کورمال** = نوع شیرینی از تلقان و روغن.  
**کورنمک** = نا سپاس.  
**کورپت** = کنه زهر دار (Hyalomma)؛ عامل تب کانگو یا کریمه.  
**کورخهط**، **کورخط**؛ **گهر** = فال بینی، فال بین.  
**کورخپ** = جنگل با پوشش گیاهی متراکم.  
**کورخرک** = سهره سرخ پیشانی (Serinus pusillus) گنجشک از نوع سهره.  
**کور-چمنبر-چمنبر**؛ **گنده** = میخک؛ گیاه ضد حشره بید پروانه (Tineola bisselliella) نام حشره بید.  
**کورغپ** = ابرآلود، هوای تاریک؛ نر چناو کورغپ مپث غل نه-فُدج = مانند امروز هوا هیچوقت تاریک نبوده.  
**کوفه** = کوز یا کوز.  
**کورخ**؛ **چیداو** = سوراخ؛ کردن.  
**کورخک** = سوراخک.